

رجوی بیش از ۱۰۰۰ تن را با نیرنگ و وعده شغل، پول، کیس پناهندگی، زن و خوشگذرانی... به اشرف کشاند

اسامی ۴۰۵ تن از قربانیان این فریب و نیرنگ رهبر و رئیس جمهور مقاومت؟، دردسترس می گذارم.

اینان شرم وحیا و انهداده، و در پی کسب قدرت، هرامری را مجاز می دانند.

من، ما و نسل ما عاشقترین به رجوی بودیم. ما هرگز به رجوی پشت نکردیم.

این رجوی بود که به ما و نسل عاشقان و به مردم و آرمان و آزادی پشت کرد.

اگر اصالت داشتیم نباید کارما به نیرنگ و فریب جوانان مردم و قاچاق انسان با دغل و دروغ نابکارانه منتهی می گشت.

بله ما پشت کردیم به نابکاری و خیانت، پشت کردیم به فساد و کسب قدرت تام و تمام یک توتالیتزر که هیچ چیز بجز «خود» را بر نمی تابد. ما ایستادیم بر پاشته های اولین مان، آزادی و عشق. و رجوی ایستاد بر پاشنه های قدرت و کین سرشته بدست یابی آن. در این مصاف عاشقانش اولین قربانیان آن بودند. اما کاش به همین جا و من و ما و عاشقانش ختم میشد و دامنه اش به مردم تحت حاکمیت پلید آخوندی و مبارزه آنها نمی کشید. کاش همه ما می مردیم و نابود می شدیم، اما مردم قربانی کثیف دستیابی کسب قدرت به هر قیمت نمی شدند.



مسیح ننگ داشت انسانها را با نیرنگ و فریب و وعده کار و کسب پول، کیس پناهندگی، زن و حتی آموزش خلبانی به تور و تله انداخته و صیدشان کند. مسیح صیاد قلب مردم و درماندگان بود، نه قاچاقچی انسان و فریب درماندگان.



روزی مردی به کلیسا می رود و شمعی روشن کرده پای مجسمه مسیح مصلوب قرار می دهد. از کلیسا خارج شده و در صحن حیاط مجسمه شیطان را می بیند، یک شمع دیگر نیز روشن کرده و جلو مجسمه شیطان می گذارد و می گوید: «از کجا معلوم آن دنیا دست این نباشه؟»



مریم رجوی رئیس جمهور برگزیده مقاومت؟، درحالیکه با نیرنگ و فریب جوانان را به عراق و اشرف می کشاند درسخرانی و پلپنت پاریس می گوید: « من به این جا آمدهام که آن چه را شما قیامکنندگان می خواهید، اعلام کنم!». اما درکنار دست او، نه قیام کنندگان و نه دختران انقلاب، بلکه جز اصحاب امریکا و غرب و نئوکانهایی چون امثال رودی جولیان، نیوت گینگریچ، بیل ریچاردسون، رابرت توریسلی، موکیزی ولونیس فری رئیس اف بی آی و ژنرال های بازنشسته امریکایی... کسی از نمایندگان مردم و مبارزان شرافتمند ایران قرار ندارد.

بیش از ۱۰۰۰ تن در این سه ده با نیرنگ و فریب و با وعده کسب و کار، پول، کیس پناهندگی، زن و خوشگذرانی... حتی آموزش خلبانی توسط زوج رجوی به عراق و اشرف کشانده شدند.

قاچاق انسان به ارتش آزادیبخش مشمول معتادین به مواد مخدر و خلافکاران، مجرمین فراری افراد زورگیر ویا حتی خود قاچاقچیان نیز می گشت.

بسیاری از این افراد در اشرف پس از آگاه شده از این مسئله، بدلیل مخالفت با چنین ترفندی و حضور در یک ارتش و پادگان نظامی؟، زندانی و شکنجه شده و آسیب های روحی و روانی بسیار جدی دیدند.

بالاترین آمار خودکشی های منجر به مرگ ویا خودکشی هایی که منجر به مرگ نشده است در میان همین درماندگان و بخت برگشتگانی بود که به تله مجاهدین افتادند.

بسیاری از همین افراد از قرارگاه های مختلف سازمان در عراق، تحت نام «ستاد داخله» ارتش آزادیبخش ویا سازمان مجاهدین (ستادی که در ایران مستقر است) عضویت های عملیاتی به داخل کشور بودند، و در عملیات کشته ویا دستگیر شدند.

رجوی مدعی بود در سال ۶۹ بدلیل جنگ و حمله امریکا به عراق، کودکان را از قرارگاه اشرف و مکانی امن در اروپا و امریکا فرستاده است؛ اما عجیب آنکه پس از سرنگونی صدام در سال ۸۲، به جذب کودکان نیز پرداخت.

هدف از جذب نیرو، پس از سرنگونی صدام ایجاد چتر حفاظتی برای رهبری (رجوی) بود و نه اهداف سیاسی و استراتژیکی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه حاکم بر ایران.

اسامی افرادی که بصورت قاچاق انسان به قرارگاه اشرف در عراق کشانده شده اند، پس از سرنگونی صدام و انتقال جدا شدگان در کمپ تیف تحت کنترل نیروهای امریکایی، نزد ارتش و دولت امریکا و هم چنین کمیساریا و صلیب سرخ قرار دارد.

پس از سرنگونی صدام در سال ۱۳۸۲، بدلیل گستردگی قاچاق انسان در سازمان مجاهدین، فرماندهان ارتش امریکا در عراق و کمپ تیف (مکان جدا شدگان تحت کنترل امریکا)، با ابعاد وسیع چنین فساد می مواجه شدند. فرماندهان ارتش امریکا در صدد برآمدند تا یکی از اصلی ترین قاچاقچیان سازمان بنام «علی آنکارا» که نام اصلی وی «علی زارعی» می باشد، را از ترکیه به عراق فرا بخوانند و تحقیقات کاملی در این زمینه انجام دهند. اگرچه دوست دیگری گفت: «او در قرارگاه اشرف بود و در اولین سری به کمپ تیف آمد.»

در این لیست بهیچوجه نام ملیشیا هاپیکه اغلب زیر سن ۱۸ سال، در سالهای ۷۸ تا ۷۶ از اروپا با وعده های مختلف مانند دیدار خانوادگی یا مسافرت کوتاه به عراق کشاندند، منظور نگشته است (اغلب شامل فرزندان اعضای مجاهدین می شود).

همچنین افرادی که پس از سرنگونی صدام به عراق قاچاق شدند و یا حتی کودکان زیر سن ۱۸ سال جذب ارتش آزادیبخش شدند.

این اسامی را بر اساس اطلاعاتی که داشتیم و بسیاری از آنها را در اشرف و مرکز خودمان یا مراکز دیگر دیده و یا از دوستان جدا شده شنیدیم و یا از سایت ها و مصاحبه ها در اینترنت بدست آورده ام.

همچنانکه گفتیم آمار بسا بیشتر از اینهاست. اگر چه من از آغاز بدنبال جمع آوری اسامی نبودم. زیرا موضوعات جنایت و فساد درون سازمان چنان ابعاد و طیف گسترده ای دارد که امکانی برای یک «فرد» باقی نمی گذارد، تا بتواند در همه زمینه ها تحقیق کرده و اطلاعات و شواهدین را جمع آوری کند. از طرفی دیگر بسیاری از جدا شدگان نیز بدلیل ترس و وحشت از سازمان و رجوی، حاضر به سخن گفتن و نام بردن اسامی نمی شوند. کما اینکه در اردیبهشت ۹۷ با بیش از ده تن از دوستان تماس گرفتم تا بتوانم چند نام بگیرم، تا بتوانم لیست تکمیلی ۴۰۰ تن قاچاق انسان را ارائه دهم. پس از ۱۰ روز هنوز یک نام بدستم نرسیده بود! این وحشت و هراس از مسعود و مریم رجوی کما کان در جدا شدگان وجود دارد.

همچنانکه افرادی که پس از سرنگونی صدام به عراق قاچاق شدند و یا حتی کودکان در سنین زیر ۱۸ سال جذب ارتش آزادیبخش شدند. رجوی که مدعی بود در سال ۶۹ بدلیل حمله آمریکا به عراق، کودکان را به خارج از فرارگاه اشرف و مکانی امن در اروپا و آمریکا فرستاده است؛ پس از سرنگونی صدام، به جذب کودکان نیز پرداخت، در حالیکه فرارگاه اشرف و کمپ لیبرتی، برخلاف سال ۶۹، مورد تهاجم زمینی و هوایی و موشکی قرار می گرفت. در سازمان مجاهدین همه چیز از رجوی شروع و به رجوی ختم می شود! هدف از جذب نیرو، ایجاد چتر حفاظتی برای رهبری (رجوی) بود و نه اهداف سیاسی و استراتژیکی و سرنگونی رژیم ولایت فقیه حاکم بر ایران.

اسامی افرادی که بصورت قاچاق انسان به فرارگاه اشرف در عراق کشانده شده اند، پس از سرنگونی صدام و انتقال جدا شدگان در کمپ تیف تحت کنترل نیروهای آمریکایی، نزد ارتش و دولت آمریکا و هم چنین کمیساریا و صلیب سرخ قرار دارد.

دستگیری قاچاقچی سازمان علی زارعی (معرف به علی آنکارا) توسط آمریکا

پس از سرنگونی صدام در سال ۱۳۸۲، بدلیل گستردگی قاچاق انسان در سازمان مجاهدین، فرماندهان ارتش آمریکا در عراق و کمپ تیف مکان جدا شدگان تحت کنترل آمریکا، با ابعاد وسیع چنین فساد می مواجه شدند. فرماندهان ارتش آمریکا درصد برآمدند تا یکی از اصلی ترین قاچاقچیان سازمان بنام «علی آنکارا» را از ترکیه به عراق فرا بخوانند و تحقیقات کاملی در این زمینه انجام دهند. علی آنکارا سالها در بام انداختن و فریب جوانانی که در فقر و ناداری و درماندگی در ایران و یا در ترکیه، پاکستان، دبی، کویت و... در وضعیت معیشتی سختی بسر می بردند، آنها را شناسایی و با ترفند کسب و کار، کیس پناهندگی سیاسی برای رفتن به اروپا، وعده زن و زندگی و حتی آموزش خلبانی و... به عراق و فرارگاه اشرف می کشید. و سپس تمام راههای پشت سر در اشرف به روی آنها بسته میشد. قاچاق انسان به ارتش آزادیبخش مشمول معتادین به مواد مخدر و خلافکاران و یا زورگیر و یا حتی خود قاچاقچیان نیز می گشت. در لیستی که ذیلا می آید، چنین افرادی نیز وجود دارند.

بیشترین آمار خودکشی ها مربوط به همین انسانهایی بود که بوسیله قاچاق انسان به سازمان جذب کشانده شدند. بسیاری از این افراد بدلیل مخالفت با چنین ترفندی به زندانی شده و شکنجه شده و آسیب های روحی و روانی جدی دیدند. این افراد سیاه بخت ترین افرادی بودند که طعمه منافع زوج رهبری عقیدتی شدند. یکی از سخت ترین کارهای من در آلبانی خواندن و شنیدن زندگی هولناک و سرنوشت سیاه چنین افرادی است، بدون هیچ زمینه سیاسی و یا حتی آگاهی از نام سازمان مجاهدین، با عراق کشانده شده اند و گاه سرنوشت خانواده و همسر و فرزندان آنان نیز سیاه تر از آنچه است که برخوردشان گذشته است.

تنها جایی که صدای خرد شدن استخوان هایم را می شنیدم، خواندن و شنیدن زندگی و سرنوشت سیاهی بود که رجوی برای چنین جوانانی رقم زده بود. انسانهایی که بدلیل ظلم و جنایت جمهوری اسلامی، از هم جا رانده و درمانده شده بودند. نسل سرپرده ۶۰ در سازمان مجاهدین، اینک باید شاهد جذب نیرو، با فریب و قاچاق انسان باشد. ما برای اهداف و آرمانهای والایی به مبارزه پیوستیم. آرمانمان رافروختند، شرافتمان به یغما بردند، حیثیت و اعتبارمان مخدوش کردند، تنها برای نام و بام و جاه یک خودشیفته ای که بدل به هیولای همه چیز خوارگشت. حجم فساد اجازه نمی دهد تا بتوانم یکباره لیست کاملی را ارائه کنم. زیرا می بایست بصورت دسته بندی و کلاسه شده درباره هر موضوع با ارائه اطلاعات و اسامی و عکسها و سخنان شاهدین و قربانیان قاچاق انسان توأم باشد.

همچنانکه درباره جذب کودکان زیر سن قانونی برای ارتش آزادیبخش نیز، گزارش جدا گانه ای نیاز است. اگر چه در همین لیست ۴۰۵ نفره نیز افرادی زیر سن قانونی جذب سازمان شده اند.

لیست خودکشی ها را که بیش از ۷۰ نفر است رادر گزارش های قبلی ارائه دادم. متأسفانه در بعضی از سالها بویژه در سالهای سیاه ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ در دوره مسئول اولی نسرین سپهری (مهوش) همردیف رهبری عقیدتی (مسعود رجوی و مریم رجوی) که در واقع یکه تاز سرکوب تشکیلات تا سال ۸۲ بود، آمار خودکشی های ۱۰ برابر رژیم جنایتکار آخوندی حاکم بر میهن است.

اسامی ۴۰۵ تن قاچاق انسان با وعده شغل، پول، کیس پناهندگی، زن و... توسط زوج رجوی به اشرف کشانده شدند:

۱- علی قزل قارشی از شهرستان گرگان - ورود به سازمان ۱۳۷۹ با وعده کار در اروپا.

- ۲- صادق خاوری (صمد) از شهرستان فومن - ورودبه سازمان ۱۳۸۰
- ۳- محمد کریم گل شیر میری (حامد) از شهرستان نیک شهر - ورودبه سازمان ۱۳۸۰
- ۴- شهرام بهادری از جلفای آذربایجان شرقی
- ۵- شهرود بهادری از جلفای آذربایجان شرقی
- ۶- حسام شاکری سیزواری متولد ۱۳۵۹- اعزام از ترکیه در تاریخ ۸۱/۴/۲۴
- ۷- سید محمد حسینی از نیشابور اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۸- اشکان که از قبرس آمده بود - اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۹- رضا از تهران اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۱۰- سید شجاع سید لطیفی متولد ۱۳۳۹ متأهل و دارای پنج فرزند، ساکن اهواز اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۰
- ۱۱- قاسم همدانی(با نام مستعار هادی)
- ۱۲- حسن صافی معروف به پژمان اهل مشهد - از مجاهدین جدا شد.
- ۱۳- فردین - نام مستعار
- ۱۴- حامد اهل قزوین
- ۱۵- فرهاد پورمشکی - معتاد به تریاک - اعزام از پاکستان سال ۸۱
- ۱۶- علی مظلومی اهل قم همراه با سه نفر دیگر که با او بودند و هر چهار نفر معتاد
- ۱۷- حسن اخلاقی اعزام از ترکیه
- ۱۸- سید طه حسینی اهل محلات اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۱۹- محمود هاشمی شهریور سال ۸۱ از ترکیه تحت مشکلات خانوادگی و فشار زندگی توسط علی آنکار به عراق و اشرف کشانده شد و تا ۸۷/۲/۱ از مرز سردشت به ایران رفت.
- ۲۰- احمد رضا ایرانیپور متولد ۱۳۸۴
- ۲۱- محمدرضا ایرانیپور متولد ۱۳۵۹ محصل و ۱۷ ساله
- ۲۲- غلامرضا بهروزی سال ۷۵ ایران به ترکیه و از ترکیه به اردن و عراق همراه با یک نفر دیگر که در هواپیما بود.
- ۲۳- مرتضی بهشتی اعزام از ترکیه سال ۸۰
- ۲۴- مصطفی بهشتی اعزام از ترکیه سال ۸۰
- ۲۵- حسین افشار
- ۲۶- محسن مالیا اعزام سال ۸۱
- ۲۷- علی اصغر غضنفری فرمانده عملیات برای کشتن لاجوردی
- ۲۸- عبدالرحیم نظری اعزام از ترکیه همراه با مهدی...
- ۲۹- مهدی... اعزام از ترکیه
- ۳۰- افشین جعفرزاده متولد ارومیه اعزام از ترکیه
- ۳۱- برادر افشین جعفرزاده متولد ارومیه اعزام از ترکیه

- ۳۲- بیدر قنوتی از بندر ماهشهر اعزام سال ۱۳۷۸
- ۳۳- محسن صحاف از تبریز اعزام در سال ۸۱
- ۳۴- عباس جعفری متولد تهران اعزام از ترکیه
- ۳۵- ملابخش حسین زهی از سیستان و بلوچستان اعزام از پاکستان
- ۳۶- مسعود جهانبخش- کرمانشاه- سال ۸۰ برای کار به ترکیه
- ۳۷- احمد صبوحی ایرانشهر بخش اسپکه اعزام از دبی
- ۳۸- سرمست محسنی اعزام از ترکیه ۱۳۸۱
- ۳۹- احمد صبوحی ایرانشهر بخش اسپکه اعزام از دبی
- ۴۰- محمد عراقی اهل شاهین دژ - سال ۸۱ او را به پاکستان کشاندند و بعد عراق
- ۴۱- جمشید سرایی اهل آق قلا- سال ۸۱ اعزام از ترکیه
- ۴۲- محمد نعیم ملازهی، اهل سراوان اعزام از پاکستان در سال ۱۳۸۱
- ۴۳- برادر عباس جعفری اعزام از ترکیه
- ۴۴- دوست عباس جعفری اعزام از ترکیه
- ۴۵- ابراهیم ماجلانی- تهران اعزام از ترکیه سال ۱۳۸۱
- ۴۶- محمد اکرم ابرکار، بچه سرباز سال ۸۱ از امارات
- ۴۷- عیسی بلوچی - فرزند آدم - متولد شهرستان نیک شهر اهل سیستان و بلوچستان. همراه با عمو و یکی از اقوام به اسم خسرو بلوچ اقوامی و رسول بخش بلوچی - اعزام از پاکستان ۱۳۸۱
- ۴۸- احسان دهوری اهل سراوان - امارات ۱۳۸۱
- ۴۹- عبدالمهدی بامری فرزند رسول بخش بامری، از ایرانشهر به پاکستان و بعنوان کارردویی، و بعد به عراق ۱۳۸۰
- ۵۰- امیر بلوچی اهل ایرانشهر سال ۷۹ امارات متحده عربی
- ۵۱- محمدرضا شمسی اهل تبریز، شهرستان هادی شهر - سال ۸۱ از تهران به ترکیه و در ۲۴/۴/۸۱ اعزام به عراق.
- ۵۲- علیرضا اسپندار فرد (نام سازمانی سیاوش) اهل کرج اعزام از ترکیه سال ۸۰
- ۵۳- انوشیروان ریاحی اهل فیروزآباد فارس اعزام از دبی سال ۸۰
- ۵۴- ایرج (احتمالاً ایرج مشهدی با ۲۰ سال سن) - کارگر قنادی از سازمان جدا شد و سپس از سلول انفرادی کمپ تیف امریکا فرار کرد و با کمک روستاییان عراقی خودش را به مرز ایران رساند.
- ۵۵- محمد رئیسی اهل نیک شهر در سال ۸۱ به امارات و عراق
- ۵۶- مسعود اهل ایرانشهر بودند (بعنوان کار به عراق برده بودند)
- ۵۷- ارسلان اهل ایرانشهر بودند (بعنوان کار به عراق برده بودند)
- ۵۸- شهریار اهل ایرانشهر (بعنوان کار به عراق برده بودند)
- ۵۹- عزت - اهل لاشار
- ۶۰ - - فاروق (اسم اصلی احتمالاً محمد)

- ۶۱- مهران رستگارفرد ساکن همدان سال ۸۰ برای پیدا کردن کار به ترکیه
- ۶۲- تیمور اسماعیلی اهل استان خراسان - قوچان سال ۸۰ از طریق پاکستان به عراق
- ۶۳- حمید رضا چمنی اواخر سال ۷۸ اعزام از ترکیه
- ۶۴- انوشیروان ریاحی اهل فیروز آباد فارس دومی آخر سال ۸۰
- ۶۵- علی براتلو متولد ۱۳۵۶ اهل تهران در سال ۷۸ از طریق مرز پاکستان به عراق
- ۶۶- ارسلان اسماعیلی- نقاش و خطاط بود(در سال ۷۶ به مرکز ۵ آمد. او همراه با علی اصغر غضنفری فرمانده عملیات برای کشتن لاجوردی در مرکز ما قرار داشتند)
- ۶۷- پوریا قوامی اهل سنندج - ۲۶ فروردین ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۶۸- برادر کوچک پوریا قوامی ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۶۹- مهدی سلیمانی(هومن) در آلبانی از سازمان جدا شد.
- ۷۰- حسین ندایی با نام مستعار حمید
- ۷۱- محسن ابوفاضلی(نام سازمانی جمشید تهرانی) اهل تهران سال ۸۰ از ترکیه
- ۷۲- مهدی جواهریان سال ترکیه ۷۹
- ۷۳- محسن مالیا (نام سازمانی پیمان) اهل تهران ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۷۴- امیر تلاوتی(اسفندیار) ۱۳۸۱ به سمت ترکیه
- ۷۵- احمد تلاوتی(یوسف) سال ۷۸
- ۷۶- عادل خلخالی زر اهل تهران سال ۸۰
- ۷۷- عبدالرحیم نظری از شهرستان آق قلا- از سال ۸۱ به صورت قانونی وارد ترکیه شد و بعد عراق
- ۷۸- مهرداد شیر محمدی اهل تهران
- ۷۹- ناتان بگینی - یهودی مذهب
- ۸۰- محمد اکرم ابرکار، اهل سرپاز سال ۸۱ از امارات
- ۸۱- محمدرضا پور شعبانی از طریق برادرش که در عراق بود سال ۸۰ از مرز ترکیه به عراق منتقل شد.
- ۸۲- محمد عراقی اهل شاهین دژ
- ۸۳- حسن ریگی معروف به ستار
- ۸۴- عموی عیسی بلوچی
- ۸۵- خسرو بلوچ اقوامی
- ۸۶- رسول بخش بلوچی
- ۸۷- حمید کاظم پور (نام سازمانی ایرج) از ایران به ترکیه و عراق
- ۸۸- ابراهیم با نام تشکیلاتی عطا معتاد بود. مادرش نیز در انگلستان بود
- ۸۹- رضا الماسی زاده، اهل اصفهان ۷۹ از اصفهان خارج- وقتی به عراق رسید پولهای او را گرفتند و دیگر راه برگشتی نداشت.
- ۹۰- افشین جعفرزاده متولد شهرستان ارومیه در سال ۸۰ ترکیه

- ۹۱- برادر افشین جعفرزاده متولد شهرستان ارومیه
- ۹۲- حسین افشار اهل قزوین سال ۱۳۸۰ از ایران خارج و برای کار به ترکیه رفت و به عراق کشانده شد.
- ۹۳- اسماعیل طالبی از شهرستان بناب شهریور ۸۱ از طریق ترکیه
- ۹۴- محمدرضا فعال ساکن تهران - مرداد سال ۱۳۸۱
- ۹۵- غلامرضا گوهری متولد ۵۳، متأهل دارای یک فرزند سال ۸۱ به ترکیه
- ۹۶- اکبر محمدیان اهل مراغه تابستان سال ۷۹
- ۹۷- محمد نعیم ملازهی، اهل سراوان ۱۳۸۱ پاکستان
- ۹۸- ناصر یوسفی سال ۱۳۸۱ به ترکیه
- ۹۹- اسدالله امیری سال ۱۳۸۱ شاغل در دبی
- ۱۰۰- نصرت الله محمدی اهل اسلام آباد غرب
- ۱۰۱- حمید کریمی اهل آبادن جدا شده درآلبانی
- ۱۰۲- حمید جعفری (شریف دانش) بدلیل دزدی طلا و جواهر که قبلا هم سابقه زندان رفتن داشت. مجبور به ترک ایران می شود و در ترکیه به دام سازمان می افتد در اشرف طلا جواهرات و ۸۰۰۰ دلار پول او را می گیرند وی در تابستان ۹۵ درآلبانی از سازمان جدا می شود و پول و طلا جواهراتش را می خواهد در جواب می گویند: کدام طلا و جواهرات و پول؟ شاه دزد قدرت پولش را بالا کشید.
- ۱۰۳- خسرو اربابی اهل نیک شهر
- ۱۰۴- شاهرخ امیری اهل ارومیه
- ۱۰۵- مسعود احمدی اهل کرمانشاه سال ۸۱ در چابهار کار می کرد- به پاکستان و از اردن هم بغداد
- ۱۰۶- حبیب الله رضاپور ۱۳۸۰/۱۱/۱۵ در ترکیه
- ۱۰۷- خداداد عزیزی (سیروس) اهل کردستان سال ۸۱- سال ۹۵ درآلبانی از سازمان جدا شد.
- ۱۰۸- روح الله آسیال اهل کرمانشاه سال به ترکیه ۷۹
- ۱۰۹- احد عربی سال ۱۳۷۶ از کرمانشاه به ایلام و از ایلام به یکی از پاسگاه های عراقی
- ۱۱۰- پسر عموی احد عربی
- ۱۱۱- پسر دایی احد عربی
- ۱۱۲- سامان - در سال ۸۲ در اشرف در مقرر مابود
- ۱۱۳- امید - در سال ۸۲ در اشرف در مقرر مابود
- ۱۱۴- صمد در سال ۸۲ در اشرف (رفیق آرام گفتاری)
- ۱۱۵- حسن اهل تهران سال ۸۱ در العماره
- ۱۱۶- اسفندیار پناهی اهل اردبیل سال ۸۱ به ترکیه با فریب (عشق دختر دایی) که گفته بودند در ارتش آزادیبخش است.
- ۱۱۷- احمد گرگانی - تهران و ترکیه
- ۱۱۸- حمید م اهل شهرستان خرمدره از توابع استان زنجان قد ۱۸۰ چهار شانه هیکلی پر و درشت، زیر گردن و کمی از صورتش در کودکی سوخته بود و چشمانی لوچ. به پدر و مادرش می گوید: میروم عراق دیدن و ملاقات داداش و براتون خبر سلامتی او را می آورم، آمد اینجا گیر افتاد.

۱۱۹- محمود عرب اهل خوزستان

۱۲۰- حمید لُر

۱۲۱- نادر ترکه

۱۲۲- امیر خسرو تقریباً ۱۶ ساله اهل تبریز مشخص نیست چگونه به دام افتاده است.

۱۲۳- مهران ۱۸ ساله با برادر بزرگش "وریا" اهل سنجق که ۲ سال پیش تر در ترکیه توسط «علی آنکارا» فریب خورده و به عراق آمد.

۱۲۴- وریا

۱۲۵- فرامرز ۱۷-۱۶ ساله- از ایران توسط مادرش که عضو شورای رهبری است با دروغ فریب به عراق کشانده بودند. او مادرش را مورد توهین و لعن و نفرین قرار می داد.

۱۲۷- احمد و - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۲۸- امیر ز - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۲۹- محمد خ- از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۰- امیر چ- از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان خوشگذرانی فریب داده شدند

۱۳۱- حمید گ- از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۲- علی غ- از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان خوشگذرانی فریب داده شدند

۱۳۳- امید ح- از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۴- سیلوش - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۵- علی ک - از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۶- کوروش- از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند

۱۳۷- قباد- از طریق اکبر آماهی بعنوان بعنوان کار و خوشگذرانی و اروپا فریب داده شدند. اکبر آماهی خود بعداً از سازمان فرار کرد.

۱۳۸- نصیر اهل ایلام - چهار شانه و قد ۱۷۵ - شخصی به نام شاهمراد اهل ایلام برای سازمان کار می کند و آنها را با وعده اینکه اگر به عراق بروند پول داری شوند و می توانند زندگی خوبی برای خودشان درست کنند(روم همیشه عین حرف آنها رو تکرار کنم).

۱۳۹- حیدر اهل ایلام - به شوخی به او «رامبو» می گفتند. حیدر گفت: تو را به خدا به اینها بگو مرا رها کنند بروم سر زندگیم حالا مادر پیرم از گرسنگی مرده! گفتم منظورت چیه؟ گفت: ما سه نفر را در حالی که با دست به رضا و نصیر اشاره می کرد سازمان به قیمت ۱۲۰ هزار تومان خریده! گفتم بابا یک راس بز ۵۰ هزار تومان است چطور سازمان یک انسان را ۴۰ هزار تومان خریده؟ شخصی به نام شاهمراد اهل ایلام برای سازمان کار می کند و آنها را با وعده اینکه اگر به عراق بروند پول داری شوند و می توانند زندگی خوبی برای خودشان درست کنند (روم همیشه عین حرف آنها رو تکرار کنم)

۱۴۰- رضا اهل ایلام - قد نزدیک ۱۹۰ - شاهمراد اهل ایلام برای سازمان کار می کند و آنها را با وعده اینکه اگر به عراق بروند پول داری شوند و می توانند زندگی خوبی برای خودشان درست کنند

۱۴۱- مهران رستگار فرد سال ۸۰ از ترکیه

۱۴۲- پسر دایی مهران رستگار فرد سال ۸۰ از ترکیه

۱۴۳- جواد اسدی دارای همسر اهل و ساکن شهرستان مرند از استان آذربایجان شرقی ۱۳۸۰ عبور از مرز برای کاریابی و زندان عراق

۱۴۴- رسول - بلوچ - نام مستعار

۱۴۵- هادی - بلوچ - نام مستعار

- ۱۴۶- رئوف - بلوچ - نام مستعار
- ۱۴۷- عبدالله - بلوچ - نام مستعار
- ۱۴۸- سعید- بلوچ - نام مستعار
- ۱۴۹- حسین ولی پور(توحید)
- ۱۵۰- عباس ترکاشوند(ناصر)
- ۱۵۱- امید- بلوچ
- ۱۵۲- محسن - بلوچ
- ۱۵۳- نادرچپ چاپ (مهدی)
- ۱۵۴- عبدالرضا آرمهر با اسم مستعار بهرام کُرد اهل ایلام از فرارگاه در سال ۱۳۸۰ ترکیه
- ۱۵۵- محمد رضا ویژه سال۷۹- درآلبانی جدا شده وبه فنلاند رفتند
- ۱۵۶- حسن ماکوئی(وحید مکی) - سال ۹۳درآلبانی جدا شده وبه فنلاند رفتند
- ۱۵۷- شهرام سال ۸۱ - در اشرف حاضر نمی شد به ارتش بپیوندد
- ۱۵۸- فرهنگ سال ۸۲ - در اشرف حاضر نمی شد به ارتش بپیوندد
- ۱۵۹- رسول (نام سازمانی) اهل بلوچستان
- ۱۶۰- حسین همتی بانام سازمانی بهزاد- ۲۴ ساله اهل تبریز او نیز در ترکیه با وعده و وعید اقامت دائم در اروپا و زندگی ایده آل به دام افتاده بود. هنرمندی خوشنویس بود
- ۱۶۱- عباس ثابت منش - از ترکیه به اشرف آمد.
- ۱۶۲- جاوید امیری اهل سیستان بلوچستان
- ۱۶۳- پویا (اسم مستعار) : جوان ۲۵ ساله اهل کرج- موهای خرمایی ، لاغر اندام و قد ۱۸۵- در ترکیه رابط سازمان وعده پناهندگی در اروپا و پیدا کردن کار - پویا بشدت مسئله دار بود
- ۱۶۴- حسین اهل اصفهان - سال۱۳۸۰
- ۱۶۵- مهدی برائی با نام مستعار برنا در کشور امارات در یک کافه کار می کرد که رابطین سازمان با وعده اخذ پناهندگی اروپا و زندگی بهتر فریبش داده به عراق فرستادند.
- ۱۶۶- عبدالقادر جیلانی در پاکستان شاغل بود و فارسی را به زحمت صحبت می کرد.
- ۱۶۷- هدایت مختارپور- خرداد ماه سال ۱۳۸۰ برای یافتن کار به ترکیه سفر کرده در ترکیه
- ۱۶۸- سعید یوسف جرفی (اشکان) اهل اهواز متأهل بود اما نمیدانست که همسرش باردار است.
- ۱۶۹- مهرداد امیری
- ۱۷۰- علیرضا خاموشی اهل کرمانشاه
- ۱۷۱- حجت رفیعی در سال ۱۳۷۷ برای تحصیلات از ایران خارج ودر سال ۸۰ وارد سازمان شد.
- ۱۷۲- حسن آتش افزون اهل بندر عباس متولد ۴۷ - سال ۱۳۶۸مجید شکوهی(عضو سازمان) پیشنهاد کار در اروپا می دهد وبا پاسپوت جعلی ازدوبی به انگلستان! بروم وبردند بغداد. مجید شکوهی درسال ۹۵ از سازمان جدا شد.
- ۱۷۳- سیامک (... قلی زاده) اهل انزلی استان گیلان است او را به ترکیه و سپس به عراق آوردند

- ۱۷۴- جمیل عبدالله زاده سال ۱۳۸۰ راهی دوی شد. آنجا با فردی آشنا شد که می گفت: «من شما را به اروپا می فرستم.»
- ۱۷۵- محمد یوسف چاری زهی (نام سازمانی عبدالله) متولد ۱۳۵۴ - ایرانشهر - سال ۱۳۸۰ برای یافتن کار و عزیمت به اروپا به دوی رفت. سال ۱۳۸۱ در آنجا با فردی به نام نور محمد آشنا و پیشنهاد کار به آلمان و دریک شرکتی بنام مسعود و مریم داد.
- ۱۷۶- غلامرضا شیردم
- ۱۷۷- ناصر شیر دم - دارای همسر زن و سه دختر کودک و رود به قرارگاه اشرف اردیبهشت ۸۱.
- ۱۷۸- رسول - درکراچی با غلامرضا شیر دم بودو با هم به اشرف منتقل شده بودند.
- ۱۷۹- عثمان... دوست غلامرضا شیر دم
- ۱۸۰- قربانعلی برادران متولد ۱۳۵۸ اهل روستای اسبو کلا ساری ۱۳۷۸ سرباز فراری و زندانی ابوغریب توسط سازمان به اشرف آمد.
- امروز تمام وقت برق قطع بود و عصر هم پاکستانی ها را صدا زدند و گفتند که فعلا سفرشان عقب افتاده است.
(افراد پاکستانی کودکان و جوانانی بوده اند که سازمان در ازای پول آنها را از پدر و مادرشان خریده و جهت مزدوری به عراق آورده بود)
- ۱۸۱- فرید اهل زاهدان- ۳۲ ساله داشت. او به ارتش نیامد و... بستگان او در ارتش بودند.
- ۱۸۲- اصغر فرزین
- ۱۸۳- جادیه امیری می خواست از سازمان بیرون بیاید. هربار در نشست می گوید من نمی خواهم بمانم ، برایش چیزی میخرند. برای او تا به حال ۲ تا دوچرخه خریده اند.
- ۱۸۴-جمیل عبدالله زاده
- ۱۸۵- کامبیز باقرزاده اعزام از آلمان قبل از سن قانونی - برادر و خواهرش در اشرف بودند
- ۱۸۶- عمر دهانی - بلوچ بود چهل ساله متاهل، بیسواد و دارای شش فرزند، در دبی به وسیله رابطین سازمان با وعده کاریابی و اشتغال و کسب درآمد بیشتر، سال ۸۱ به قرارگاه اشرف انتقال می دهند. عمر دهانی در سال ۸۲ در درگیریهای جنگ کشته شد.
- ۱۸۷- مهردادش ترک زبان حدوداً ۳۷ ساله - سال ۷۶ به اشرف منتقل کردند و بدلیل مخالفت با حضور در اشرف مه ها زندان بود.
- ۱۸۸- سعید پاکدل
- ۱۸۹- محمود مشتاقی (امیر عباس) تحت فشار فرمانده هان مجاهدین بودتا همسرش را طلاق دهد. سر پست نگهداری مجدداً اقدام به خود سوزی کرده بود.
- ۱۹۰- مسعود
- ۱۹۱- جمشید
- ۱۹۲- بهمن
- ۱۹۳- فرهاد
- ۱۹۴- فرامرز
- ۱۹۵- ستار ریگی
- ۱۹۶- علی دهقان
- ۱۹۷- ایرج
- ۱۹۸- جواد اسدی- از مرز ایران عراق بدلیل پناهندهگی دریک کشور اروپایی به اف آمد.
- ۱۹۹- آرمین و خسرو دونوجوانکه به آنها گفته بودند به آلمان می روید. آنها را از پدرمعتادشان به قیمت ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان خریداری کرده ... سپس به عراق کشانندند. آرمین و خسرو وضعیت خود را به فرماندهان ارتش امریکا توضیح دادند و اسفند سال ۸۳ توسط صلیب سرخ به ایران برگشتند.

۲۰۰- خسرو - برادر آرمین

۲۰۱- هادی...بلوچ به نام مستعار

۲۰۲- رئوف...بلوچ به نام مستعار

۲۰۳- عبدالله...بلوچ به نام مستعار

۲۰۴- سعید...بلوچ به نام مستعار

۲۰۵- توحید (حسین ولی پور امید)

۲۰۶- ناصر (عباس ترکاشوند)

۲۰۷- محسن مهدی (نادر چپ چاپ)

۲۰۸- مهران رستگار فرد سال ۸۰ عازم ترکیه

۲۰۹- پسر دایی مهران رستگار فرد سال ۸۰ عازم ترکیه

۲۱۰- احمد گرگانی - راهی ترکیه شدم برای دیدن همسر منیژه گفتند باید اول طلاق بدهید تا بتوانید او را ببینید! ۲۲ ماه در زندان انفرادی و زیر بازجویی و شکنجه حسن محصل و همکاری قرار گرفتم و بعد از آن همه بدبختی حالا آزادم کردند و گفتند باید ببینید به سازمان و مبارزه کنید.

۲۱۱- قباد خضری نوجوان زیر ۱۸ سال روستایی و آدم ساده ای بود. در کرمانشاه در عملیاتی کشته شد.

نام قباد خضری در نشریه مجاهد آمده است. همچنین خانم زهره فخر که در زندانهای سال ۷۳ تحت عنوان پروژه رفع ابهام بعنوان مزدور رژیم دستگیر و زندانی شده بود نیز بجای رسیده است. خانم فرشته هدایتی در مصاحبه دوم با آقای همنشین بهار گفتند: «از شاهدین از دستگیری خانم فرشته خلع بودند.»



شهید مجاهد / شهید قباد خلیلی

نبردها و سلسله درگیریهای «قیام کرمانشاه»

دهها پاسدار و مزدور اطلاعاتی و امنیتی کشته و مجروح شدند و ۶ مجاهد خلق به شهادت رسیدند



شهید مجاهد / شهید قباد خلیلی / شهید حمید دولتپوری / شهید فاطمه مرادی / شهید لادن پادپانی / شهید زهره فخر

۲۱۲- محمود عرب اهل خوزستان- پنجه و ساعد دست راستش تا بالای آرنج کاملا سوخته بود هر روز پوستش می ترکید و پوسته پوسته می شد و می کند. مسئولین مجاهدین قبول نکردند و مستمر می گفتند: تو خودت با دست خط خودت تعهد نوشتی و امضاء کردی عضو سازمان باشی و... من هم عصبانی شدم رفتم نفت ریختم روی دستم و آن را آتش زدم. به مسئولین گفتم این دستم خطاکار است امضا کرده و تعهد نوشته بقیه بدنم بی گناه، حالا دستم مجازات شده و آن را قطع کنید تا بقیه بدنم آزاد شود.

۲۱۳- فریبرز که با ایرج مشهدی به سلول انفرادی تیف برده شدند.

۲۱۴- حمید لار

۲۱۵- سهیل خطار با نام مستعار "یاشار" نوجوانی اهل همدان که بصورت قاچاق و با فریب اعزام به اروپا به اشرف کشانده بودند. در دوران پراکندگی سال ۸۲ با شکیک گلوله به زیرچانه اش خودکشی کرد

۲۱۶- عبدالله ریگی

۲۱۷- ناصر کیومرثیان اسم مستعار است اهل آذربایجان. قدی به قد حدوداً ۱۸۵ صورتی تقریباً سرخ و کک مکی و موی بور-از هلند به عراق کشانده. دانشجوی در حال تحصیل در کشور هلند بوده که سازمان او را فریب داده و به عراق و داخل مناسبات کشانده بودند. در سال ۸۲ در جلولا بهنگام فرار از سازمان توسط اکبر مجرد با شلیک گلوله به قتل رسید.

۲۱۸- ساشا که فریب رابطین سازمان را در روسیه خورده و از مسکو به قرارگاه اشرف در عراق منتقل شده بود خود را حلق آویز کرده است

۲۱۹-شاهد روشنی تبعه پاکستان سال ۸۸ به بهانه کار به اشرف کشانده شدند فاروق ولیاقت وشاهد برادر بودند ۱۱ پاکستانی به تیف و سپس به پاکستان رفتند.

۲۲۰- فاروق روشنی

۲۲۱- لیاقت روشنی

۲۲۲- سعید ناصری-اسفند ۱۳۷۵ ایران را ترک و برای ادامه تحصیل خود را به یک کشور اروپایی ارطریق مرز عراق وزندانی شده در ابوغریب.

۲۲۳- انور ساسانی « نام سازمانی صادق» سال ۷۹ فکسی از اروپا برای کار کردن. فردی به نام علوی «سرپل» های مجاهدین در مالموی سوئد - از ترکیه به دبی و از دبی با کشتی به عراق.

۲۲۴-جعفر - سال ۷۹ از طریق دبی به ام القصر عراق با کشتی

۲۲۵- منصور- سال ۷۹ از طریق دبی به ام القصر عراق با کشتی

۲۲۶- عباس که با همسر و دختر بچه اش مینا - به استانبول رفتند. به عراق کشانده شدند.

۲۲۷- فرهاد پورمشکی از مسیر کراچی اردن بغداد

۲۲۸- عزت اهل بلوچستان و حدوداً ۲۳ ساله

۲۲۹- خسرو بلوچ (عزت و خسرو درورودی با هم بودند)

۲۳۰- علی مظلومی اهل قم و ۳۲ ساله

۲۳۱- نصرت الله محمدی اهل اسلام آباد غرب- سال ۸۱ یکی از دوستانش او را فریب داد و گفت: پس از ۶ ماه به اروپا می روند و عراق.

۲۳۲- روناک دشتی ۱۷ ساله به قصد ادامه تحصیل در ایتالیا از طریق مرز ارومیه به همراه برادرش از ایران به شکل قاچاقی از مرز خارج و راهی ترکیه شدند قاچاقچیان در ترکیه ما آنها را تحویل افراد سازمان مجاهدین خلق و بعد را وارد عراق کردند .

۲۳۳- شهرام دشتی برادر روناک

۲۳۴- عارف - بلوچ ۲۱ ساله

۲۳۵- آرمین ۱۶ ساله بلوچ یکبار هم از اشرف به همراه عارف فرار کردند و در بغداد توسط پلیس دستگیر و به اشرف برگردانده شدند.

۲۳۶- فرهاد قوانلو از ترکیه همراه شکرالله و علی قزل قارش توسط بچی گل چشمه عضو سازمان در اشرف باو عده کار در اروپا به عراق کشانده شدند. بچی گل چشمه بخاطر آزادی پسرش از اشرف بنام ادريس که قصد خروج از سازمان داشت شرط گذاشته بود که سه نفر را به سازمان بیاورد تا پسرش خارج شود.

۲۳۷- شکرالله صادقلو

۲۳۸- فرهاد به همراه همسر آمده بود اما نمی خواست همسر را طلا دهد -توسط یک فامیل در اشرف احتمالاً پدرزن بعنوان رفتن به انگلیس

۲۳۹- همسر فرهاد

۲۴۰- علیرضا نصراللهی نام مستعار افشین در اف ام ۶

۲۴۱- صمد رفیق آرام گفتاری که قاچاقچی بود در اف ام ۶

۲۴۲- صمد اهل اردبیل - شغل تنظیم و فروش ماهواره - در اف ام ۶ در مرکز ما بود و سال ۸۲ نزد من کار میکرد.

۲۴۳- محمد کریم میری در ۱۸ سالگی و به اجبار در فروردین ۹۰ در درگیری شرکت کرد و زخمی شد.

۲۴۴- مجید روحی فرزند ربیع علی متولد ۱۳۵۲ در تهران، سال ۱۳۷۴ برای یافتن کار به ترکیه رفت. سال ۱۳۷۶ رابط سازمان پیشنهاد رفتن ره عراق و نصف روز در ارتش کار خدمتی و نصف روز برای خودش کار کند. در اردن پاسپورت او را گرفته و دیگر ندادند.

۲۴۵- جلال فیضیان (فریدون) از کرمانشاه - سال ۱۳۸۰

۲۴۶- فریدون ابراهیمی سال ۱۳۷۹ جهت کار به کشور ترکیه رفته و بعد از یکماه با فردی آشنا شده که میگفت می تواند افراد را از طریق مرز کشور عراق برای کار مناسب و پناهندگی به اروپا بفرستد و ظرف یک هفته مدارک من را فراهم و از طریق مرز آبی به کشور امارات سپس وارد بغداد و اشرف شدم.

۲۴۷- علی احمدی ۳۳ساله - اصالتاً کرمانشاهی و دارای همسر و فرزند در ترکیه کار میکرد- دایمی شهرام و روناک دشتی میباشد- از ترکیه سال ۸۱ به عراق. سازمان او را با اندک تأمین مالی تبدیل به سرپلی برای جنب به سازمان و وعده کار در اروپا کرده بود و او بسیاری از افراد را به عراق کشانده بود.

۲۴۸- محمود سپاهی سال ۱۳۷۹ به قصد رفتن به آمریکا از کشور امارات توسط سازمان به عراق کشانده شده و تا ۳۸۸ در سازمان بود.



۲۴۹- نصیر نصیری - زندانی سیاسی در سال ۱۳۷۷ به قصد رفتن به اروپا به عراق آمد .

۲۵۰- محمود اکبری اقدم رابطین سازمان در ترکیه آنها را فریب داده و به عراق بردند.

۲۵۱- امیر (نام سازمانی کیومرث امیریان) رابطین سازمان در ترکیه آنها را فریب داده و به عراق بردند.

۲۵۲- همایون - اسم مستعار

۲۵۳- بابرامعلی محمدی متولد ۱۳۶۴ در سال ۱۳۸۰- پنهان از خانواده جهت کار و مهاجرت به ترکیه رفته و در کارواشی در استامبول کاری کرد تا به اروپا برود. در سن ۱۶ سالگی او را فریب داده و به اشرف بردند.

۲۵۴- علیرضا امیری

۲۵۵- طوبی بزرگمهر اهل کرمانشاه و اعزم از ترکیه

۲۵۶- جلیل بزرگمهر اهل کرمانشاه، جلیل برادر بزرگ طوبی و خلیل بامرگ پدر و مادر و در فقر و تنگدستی به ترکیه رفته و پس از سال ۷۱ رابط سازمان آنها را فریب داده و به عراق می کشانند. جلیل که در سال ۷۴ پس از زندانهای سال ۷۳ سر به نیست شد.

۲۵۷- خلیل بزرگمهر اهل کرمانشاه و اعزم از ترکیه

۲۵۸- محمد کریم میری

۲۵۹- جلیل آلبوغبیش اهل هندیجان بدلیل مشکلات مالی توسط فردی بنام حسین در هندیجان با وعده پول و اروپا به بصره - خالص- اشرف می کشانند.

۲۶۰- محمد (دوست جلیل آلبوغبیش) سال ۷۳ از طریق بصره به خالص و اشرف.

۲۶۱- عقیل بارانی - برای کار به ترکیه رفته بود و توسط رابطین مجاهدین فریب داده شده و به عراق برده. اند

- ۲۶۲ - محمود عوده زاده- در مرکز ما در قرارگاه همایون در العماره بود. اوبه تیف رفت و با ۸ تن دیگر در یک روز طوفانی از کمپ فرار کرده و خود رابه مرز ایران رساندند(اخبار فاجعه قاچاق انسان اینچنین به خارج از سازمان می رسید). محمود بکروزامن پرسید، کدام نقطه آغاز را بنویسم درفاکت عملیات جاری، دونقطه آغازخواند؟. من تعجب کردم. اومی خواهد چک کند کدام رابنویسد برای سازمان وتشکیلات خوب است؟».
- ۲۶۳ - مسعود اولادی اهل قائم شهر متولد ۱۳۵۲ است. سال ۸۰ جهت کاریابی به ترکیه می رود و مجاهدین گرفتار به او پیشنهاد کار در یک کشور اروپایی با حقوق ماهیانه سه هزار دلار داده می شود، به این شرط که باید یک دوره ی آموزشی شش ماهه را در عراق بگذراند.
- ۲۶۴ - مجید آراسته (نام سازمانی کوروش) ...- در سال ۸۲ پشت آیفای به چند نفر شلیک کرد و کشته شدند.
- ۲۶۵ - گوردز بدلیل اعتیاد خانواده اش او را به ترکیه می فرستند وتوسط برادر وخاله وخانواده اش که در اشرف بودند فریب داده وبه عراق و اشرف کشانده اند. او پس از سرنگونی صدام به تیف رفت.
- ۲۶۶ - فرهاد پاکار اهل کرمانشاه : بدلیل مشکلات مالی و وعده وعیده های سازمان مبنی بر ۵۰۰ دلار حقوق از مرز پاکستان به قرارگاه اشرف آمد.
- ۲۶۷ - مسعود جوانبخت جباری اهل کرمانشاه
- ۲۶۸ - سجاد - یکبار هم اقدام به فرار کرد ودستگیر وبه اشرف بازگردانده شد.
- ۲۶۹ - حمید رستگاری پسر عموی همسر جواد اسدی سال ۱۳۸۱ از ترکیه
- ۲۷۰ - ایرج رستگاری برادر زن جواد اسدی سال ۱۳۸۱ از ترکیه
- ۲۷۱ - علمدار شایگان متولد ۱۳۴۷ اهل شهرستان لار در بهمن سال ۶۸ سربازدر شکر ۲۸ سنندج از ایران خارج وبا دونفر دیگر قرارگذاشته بودند به عراق واز آنجا به اروپا بروند.
- ۲۷۲ - سعید پاکدل
- ۲۷۳ - مسعود
- ۲۷۴ - ایرج
- ۲۷۵ - علی دهقان
- ۲۷۶ - ستار ریگی
- ۲۷۷ - فرامرز - ۱۶-۱۷ ساله - مادرش شورای رهبری بود واورا از ایران به عراق و اشرف کشانده بود.
- ۲۷۸ - فرهاد
- ۲۷۹ - جمشید
- ۲۸۰ - بهمن
- ۲۸۱ - حجت الله عزیزی بر اثر شلیک کلاش (خودکشی یا نا خواسته) کشته شد.
- ۲۸۲ - عیسی بلوچی اهل بلوچستان شهرستان نیک شهر
- ۲۸۳ - رحمان همراه برادرش- اعزام از پاکستان
- ۲۸۴ - برادر رحمان - اعزام از پاکستان
- ۲۸۵ - حشمت - پدر حشمت ۱۵ تن از جمله دوپسر خود را با هزینه تاعراق به مبلغ هرنفربیک میلیون تومان به سازمان فروخته است)
- ۲۸۶ - برادر حشمت - توضیح فوق
- ۲۸۷ - حامد مهمانخواه
- ۲۸۸ - علی بهرامی (با نام سازمانی آراز)

- ۲۸۹- عزیز هاشم (با نام سازمانی ایرج)
- ۲۹۰- حجت (با نام سازمانی شیرازی) ۲۶ ساله. یکبار با یوسف رئیسی شبانه از اشرف فرار کرد و در اطراف قرارگاه دستگیر و بازگردانده شدند. او بعداً به تیف رفت.
- ۲۹۱- یوسف رئیسی اهل ایرانشهر
- ۲۹۲- مهدی (در ترکیه توسط علی آنکارا فریب داده شده و با اکبری اقدم، عبدالرحیم، امیر جعفری، امیر اصلان به عراق آوردند).
- ۲۹۳- عبدالرحیم (بیسواد، ترکمن اهل گنبد)
- ۲۹۴- امیر جعفری (عزیز اشتیری)
- ۲۹۵- امیر اصلان حسن زاده
- ۲۹۶- سهراب - یکبار خودکشی کرد هم یگانی اکبری اقدم بود.
- ۲۹۷- سید یلدانی (نام سازمانی حمزه محبوب) در ترکیه نزد پدر و مادرش زندگی می کرد توسط رابطین سازمان به عراق منتقل شد.
- ۲۹۸- محمدرضا فعال (نام سازمانی فرشید) اهل تهران
- ۲۹۹- شهرام (نام سازمانی) نوجوان ۱۷ ساله گلپایگانی
- ۳۰۰- مکی رفیعی
- ۳۰۱- سعید کلانتری اهل خوزستان
- ۳۰۲- حسن اهل تبریز - از ترکیه به عراق
- ۳۰۳- همایون (نام سازمانی) اهل کرج که ۳۰ ساله - او حاضر به سوگند خوردن و دادن تعهد نمی شد.
- ۳۰۴- سهراب (قاسم - ۲۷ ساله) اهل شهریار و یکبار هم دست به خودکشی زد.
- ۳۰۵- امین (اسم مستعار) در قبرس به تور رابطین سازمان افتاده و به اشرف منتقل شده بود.
- ۳۰۶- ابراهیم جعفری اهل مشهد
- ۳۰۷- پهلوان (علیرضا) اهل مشهد بود- میانسال که مبتلا به مرض دیابت بود و مدام انسولین تزریقی می کرد در ورودی با ما بود پهلوان حاضر نشد به ارتش بیوندد.
- ۳۰۸- محسن اهل تسنن
- ۳۰۹- حمید افسری - خیلی ها را فریب داده و به سازمان وصل کرده بود
- ۳۱۰- محمد رضا بابا خانلو اهل تهران- شغل خیاط - برای کیس پناهندگی در اروپا به عراق کشانده شد.
- ۳۱۵-۴- حسن توکلی (نام سازمانی هادی ایرانی) اهل تهران
- ۳۱۱- محسن سنجر بیگی (نام سازمانی حسام) ۱۷ ساله داشت به همراه دوست خود (هادی) به اشرف منتقل شدند.
- ۳۱۲- ۶- مهرداد - ۱۸ ساله - توسط حمید افسری عمه زاده اش به اشرف کشانده شده بود.
- ۳۱۳- رشاد شاه نظری (نام سازمانی نادر لسانی) اهل تهران، خاله اش در انگلیس هوادار بود توسط خاله اش به سازمان وصل شد در ایران معتاد بود. او به کمپ امریکا رفت سپس از آنجا فرار کرد و به ایران رفت.
- ۳۱۴- سید محمود عطائی (نام سازمانی ایرج) اهل مشهد - از مجاهدین جدا و به کمپ امریکا رفت مدتی بعد از آنجا فرار کرد و به ایران رفت.
- ۳۱۶- مهرداد (با اسم مستعار حسین) اهل تهران
- ۳۱۷- بهنام یکی از هم یگانی های اکبری اقدم

۳۱۸- فرشید یکی از هم یگانی های اکبری اقدم

۳۱۹- علی اهل اصفهان- یکی از افرادی که توسط مجید آراسته (کرووش) مجید کشته شده بود بود علی با پسرخاله اش کامران به اشرف منتقل شده بود.

۳۲۰- کامران اهل اصفهان - پسرخاله علی

۳۲۱- شهریار فیضی(نام سازمانی) بلوچ و فوتبالیست بود(نام او را از شهید شهریار فیضی که در سال ۶۱ در زندان گوهر دشت بند ۱۰ در سلول انفرادی کنار من قرار داشت و با هم مورش می زدیم و در قتل عام ۶۷ شهید شد.)

۳۲۲- شهاب کُرد اهل ایلام حدوداً ۲۲ ساله.

۳۲۳- یعقوب (در تیف معروف به یعقوب کرکس بودند) از کسانی که سازمان از خیابان های ترکیه جمع کرده و به اشرف آورده بودند.

۳۲۴- جعفر (در تیف معروف به جعفر تروریست بود) از کسانی که سازمان از خیابان های ترکیه جمع کرده و به اشرف آورده بودند.

۳۲۵- ایرج مؤذن تبریزی حدوداً ۲۵ ساله اهل بوشهر و مسجد سلیمان، ایرج سه سال پیش در ترکیه مشغول کار تراشکاری بود. ایرج و برادرش علیرضا همراه یکی دوتن از دوستانشان سال ۱۳۷۹ از ترکیه به دام سازمان افتاده و به عراق کشانده بودند.

علیرضا با آموزشهایی که در پذیرش سازمان گرفته، به ایران اعزام و بستگان و حتی پدرش را به سازمان کشانده بود. علیرضا سمبل انقلاب ایدئولوژیک بود. اوسپس از سازمان جدا و به تیف رفت و در آنجا بنا به گفته جدا شده ها به نفع امریکایی ها جاسوسی می کرد و بر علیه افراد تیف عمل می کرد.

۳۲۶- علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ برای یک زندگی بهتر به استانبول و تصمیم داشتند به اروپا بروند. برغم تلاش در ترکیه پولی برای غذا و محل سکونت نداشتند و رابط سازمان برای آنها پول خرج می کند و با فریب به عراق می کشاند.

۳۲۷- تورج مؤذن تبریزی سال از ترکیه به اشرف

۳۲۸- پسرخاله ی علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ از ترکیه به اشرف

۳۲۹- پسرخواهر پسرخاله ی علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ از ترکیه به اشرف

۳۳۰- پدر علیرضا مؤذن تبریزی سال ۱۳۷۹ از ترکیه به اشرف

۳۳۱- محمود آسمان پناه هشتم از کرمان سال ۷۹ از پاکستان به اشرف

۳۳۲- احمد حسامی اهل کرمان سال ۷۹ از پاکستان به اشرف

۳۳۳- حمیدرضا سلمانی متولد ۱۳۵۸ از استان خوزستان در سال ۱۳۷۹ از طریق ترکیه به عراق منتقل شد.



۳۳۴- علمدار شایگان متولد ۱۳۴۷ در شهرستان لار. بهمن سال ۶۸ از ایران خارج شده و وارد عراق گردید. در آن زمان در لشکر ۲۸ سنندج در منطقه مریوان سرباز و مجروح شده بود. به لحاظ خانوادگی شرایط فوق العاده سختی داشت. با دو نفر دیگر قرار گذاشتند به عراق و از آنجا به اروپا بروند.

۳۳۵- فردین مقصودی (با نام مستعار صادق) ۳۰ ساله اهل کرمانشاه که او را از ترکیه فریب به عراق و داخل مناسبات کشانده بودند. پس از خلع سلاح سازمان توسط صاحبخانه جدید(ارتش امریکا) و فشارهای تشکیلاتی با گلوله خودش خودکشی کرد.

۳۳۶- منوچهر عبیدی سال ۸۳ در ۴۱ سالگی بعنوان رفتن به اروپا به اشرف آمده بود.

۳۴۱- احسان ببیدی هم با قلاچاق انسان آمده ، ابتدا فعالیت و سپس گفته اند در معرض و تهدید دستگیری قرار دارد.

۳۳۷- سعید فیروزی سال ۱۳۸۰ ایران را به مقصد ترکیه ترک کرد. به امید اینکه بدنبال زندگی بهتر، نا عاقل در دامی افتاد و سه سال در فرقه

رجوی بود.

۳۳۸- سیلوش بیابانی برای کار به ترکیه رفته بود. یکباردیگر وقتی از تیف خارج می شود در یونان گیر می کند سازمان اورا با پیشنهاد اعزام به اروپا، تطمیع می کند تا بر علیه مجید روحی و بتول سلطانی مقالا بنویسد و او چنین کاری را در هنگامی که با مشکل مواجه بود انجام داده است. وبعد ها همین موضوع راهم افشا کرد.

۳۴۰- سیامک (... قلی زاده اهل انزلی- استان گیلان) توسط تلفن برادر کوچکش به نام میثم (اسم مستعار) با فریب سازمان برای اعزام به اروپا از ایران به ترکیه و عراق و اشرف کشیده شد. اودرسال ۸۳ در پذیرش بود.
۳۴۲- میثم (اسم مستعار) در آلمان بسر می برد و به تور مجاهدین افتاده است.

۳۴۳- بهمن اعظمی متولد ۱۳۴۸ در کرمانشاه - برای درآمد و زندگی بهتر به ترکیه رفت.م. سازمان او را با وعده و وعید به عراق برد. در آبان سال ۱۳۹۶ از پایگاه سازمان فرار کرد.

۳۴۴- فرهاد کرمی (نام فامیل دقیق نیست) ۲۸ سال در سازمان بود و در آلبانی از سازمان جدا شد

۳۴۵- شکریه شفا بین

۳۴۶- صبریه شفا بین

۳۴۷- فرمان شفا بین- فرمان از رمادیه آمده بود. در سال ۷۷ خودش را در سالن ورزش به آتش کشید. دو خواهرش بنامهای شکریه ۱۳ ساله و صبریه ۱۶ ساله در سنن پایین از شدت فقر خانواده از رمادیه عراق به سازمان آمده بودند. فرمان آنقدر تحت فشار و آزار و اذیت تشکیلاتی بود که به آخر خط رسیده در آخرین دیگی (نشست جمعی بر علیه سوژه) که مهری علیقلی به فرمان گفت: فرمان، الان آمدی برای ما شاخ شدی، مگر کی هستی! ، پادت هست پدرت برای سیر کردن شکم شما در رمادیه خواهانتان را می فروخت الان آمدی برای ما شاخ شدی وزیر بار نمی ری؟! بعد از زخم های همین نشست کشنده ، فرمان به بیرون رفت و نفت عشتار را روی سرش ریخت و به سالن برگشت و فندک را به خودش کشید. دیگر هیچ کس نمی توانست در سالن او را خاموش کند. در مورد فرمان شفا بین شاهدین بسیاری هستند.

۳۴۸- سلطان مجدم (خودش قاچاقچی سازمان بود و خود نیز طعمه سازمان شد. سازمان پاسپورد او را از بین برد تا نتواند از آن استفاده کند. به همین دلیل او اکنون نمی تواند به نزد خانواده اش در دوی بروی، چون مدرک قانونی ندارد.) سلطان ۲۸ مجدم سال در تشکیلات سازمان مجاهدین بود.

۳۴۹- یوسف اسلوتی از سیستان و بلوچستان در سال ۹۵ در آلبانی از سازمان جدا شد. یوسف در سال ۹۶ می گفت: « ۱۴ سال زندگیش در سازمان هدر رفته است. حتی پای او مشکل داشت و سازمان عمل نمی کرد. و هنگامی که از سازمان جدا شد، عمل جراحی بلافاصله توسط اداره پناهجویان آلبانی (رمسای) انجام گرفت. باورکردنی نیست که بیشترین عمل جراحی برای افراد توسط همین اداره رمسای و دولت فقیر آلبانی صورت گرفته است؟! چیزی که همه جدا شده ها می گویند همین است که در سازمان بلحاظ پزشکی تبعیض قائل بودند و یا در بسیاری موارد سازمان نیاز به خون داشت تا سفره سیاسی مریم در خارجه رنگین شود. و بیماران مرگشان منافع رجوی راتامین می کرد. گزارش پزشکی نیز یکی از آن مقلاتی است که در حد من نیست بدلیل فساد و جنایت صورت گرفته در آن، با نمونه هایی سعی خواهد کرد، تا این مقوله رانیز بصورت کلاسه شده ارائه دهم. کما اینک در کتاب حقیقت مانا به تحریر در آورده ام.



یوسف اسلوتی

عکس در آلبانی - برنامه گردش توسط اداره مهاجرت آلبانی(رمسا)

۳۵۰- کیانوش (فیروز کارگر)

۳۵۱- طاهر (مسلم) - دوسال در پذیرش بود. به نقل از محمود هاشمی.

۳۵۲- فرشید (به نقل از محمود هاشمی)

۳۵۳- نادر

۳۵۴- نادر (سربازی بود که در فروغ به مجاهدین شلیک کرده بود)

۳۵۵- فرهاد- به کمپ آمریکایی هارفت وبعد در سال ۸۳ از کمپ تیف به ایران فرار کرد.

۳۵۶- غلامرضا نوربخش سال ۷۹ بعنوان پناهندگی گرفتن وبا سوء استفاده از عواطف مرگ برادرش در فروغ به عراق واشرف کشاندند.



۳۵۷- هاشم استواز در سال ۸۱ از ترکیه به عراق واشرف کشانده شد.

۳۵۸- مهدی سجودی – برادر و پسر خاله ها پیش در اشرف بودند و گفتند: « بعنوان مهمان بیا و همین جا درس را ادامه بده، پول سفر تهیه کنید ما اینجا به شما می دهیم پول پدرشان را برداشتند ولی سازمان پولی به پدرشان برنگرداند!». با برادر و پسر خاله ها اجازه هیچ ملاقاتی ندادند. بعد متوجه شده که در این فاصله برادر و پسر خاله اش از سازمان جدا شده، و این ترفند سازمان برای کشاندن آنها به عراق و بازگرداندن برادر و پسر خاله اش از تیف (مکان جدانشدگان از سازمان تحت کنترل امریکا) به تشکیلات سازمان است.

۳۹۵- پسر خاله مهدی سجودی (داستان فوق)

۳۶۰- هادی نگر اوی- سال ۱۳۶۹ در ترکیه با سازمان آشنا و بدلیل مشکلاتی که در زمینه مهاجرت به آلمان داشت به عراق واشرف کشاندند و در سال ۱۳۸۴ از سازمان جدا شد و یک سال پس از تیف به ایران رفت.



۳۶۱- افشین فلاح قره تپه ساکن استان گلستان که در سال ۱۳۷۸ از ترکیه توسط فردی بنام شهرام و با فریب مجاهدین جذب و توسط علی آنکارایی به عراق و اشرف منتقل می شود. بمدت ۱۰ سال در سازمان بود.



۳۶۲- حمید سیاه منصوری متولد خرداد ماه ۱۳۳۵ و رامین در استان تهران هستم. نام پدرم خداداد و نام مادرم نارنج - اواسط مرداد ماه ۱۳۶۷ به اصرار مکرر مجاهدین بصورت قراردادی برای ۳ ماه به عراق واشرف کشانده شد. اما پاسپورت طبق معمول مهرخورده بود تا بدلیل ورود غیرقانونی نتواند از عراق خارج شود. در آبان ماه ۱۳۸۶ به کمپ تیف تحت حفاظت نیروهای امریکایی رفت.



۳۶۳- جمیل عبدالله زاده پسر بزرگ و نان آور خانواده - برای کار و تامین معاش خانواده در ترکیه سازمان با حقه و کلک به عراق برد.
۳۶۴- منصور عساری برای شناخت و کنجکاوی به اشرف رفته بود.



۳۶۵- مالک بیت مشعل در سال ۱۳۸۱ از پاکستان برای کار و اروپا به عراق واشرف کشیده شد و در ۱۲۹۵ از سازمان در آلبانی از سازمان جدا شد.

۳۶۶- عباس اهوازی عرب (در مرکز ما بود و رقص شمشیر اجرامی کرد)

۳۶۷- سرفراز بلوچ

۳۶۸- رفیق دهقان - دوست سرفراز بلوچ- سال ۹۵ در آلبانی از سازمان جدا شد.



۳۶۹- دوست سرفراز بلوچ- سال ۹۵ در آلبانی از سازمان جدا شد.



۳۷۰- هاشم استواز در سال ۸۱ از ترکیه به عراق و اشرف کشانده شد. از سازمان جدا شد.

(اسامی ۳۷۱ تا ۳۹۳ را با همکاری دوست عزیزم آقای رضا گوران توسط تلفن و عکسهایی که از کمپ تیف موجود است شناسایی شده اند. این اسامی نزد دولت امریکا و کمیساریا و صلیب سرخ موجود است. همچنین در کتاب « روایت دردهای من» نوشته آقای رضا گوران، به گوشه هایی از آنچه بر سر این افراد آمده، بصورت پراکنده در متن داستان که روایت بسیار تکان دهنده ایی از شرح حال خود و اشرف پرداخته شده است. با درود و سپاس از کمک ایشان و همچنین قدردانی از کتاب مستندگونه و روایت ساده و صمیمی شان، آقای گوران تنها با پشتکار و رنج و تلاشی با احساس مسئولیت انسانی، اجتماعی و متعهد به آزادی، با انتشار کتاب بخشی از فساد و جنایت در اشرف و رهبری عقیدتی را بوضوح و بخوبی بنمایش گذاشتند. بهنگام خواندن این کتاب و بویژه هنگام شرح بازجویی و شکنجه هایی که توسط مجاهدین صورت گرفته است، گویی خودم در صحنه حضور داشتم، و خاطرات او به بخشی از خاطرات من تبدیل شده است.)

۳۷۱- رحیم معروف به رحیم بلغار- از بلغارستان با فریب به اشرف کشانده شد



۳۷۲- عزیز بلوچ را از قاچاقچیان خریداری کرده بودند. یکی از آن ۱۱ نفری که دزدیده شدند و از طریق قاچاقچیان به سازمان فروخته شدند.



۳۷۳- علی ترک از ترکیه به اشرف قاچاق شده بود.



۳۷۴- بلوچ- یکی از آن ۱۱ نفری که دزدیده شدند و از طریق قاچاقچیان به سازمان فروخته شدند.



۳۷۵- علی کاظمی از ترکیه اعزام شد.



۳۷۶- سیاوش بیابانی از ترکیه



۳۷۷- پژمان - پژمان با خانم فائزه زاهد زندانی شکنجه شده رفع ابهام سال ۷۳ توسط رجوی، که از اشرف به تیف فرار کرد، ازدواج کرده است.



۳۷۸- صادق از اربیل (احتمالاً صادق کاظمی)



۳۷۹- نامش مشخص نیست - با فریب از ترکیه به اشرف کشانده شد.



۳۸۰- عیدل از ترکیه توسط علی آنکارا به اشرف قاچاق شد.



۳۸۱- نامش مشخص نیست- از بلژیک فریب داده شده وزن و بچه داشت



۳۸۲- نام مشخص نیست- اهل لرستان- مشکل روحی داشت و در کمپ تیف هم نفت ریخت تا خودش را آتش بزند.



۳۸۳- عباس اهل جنوب در مرکزما بود و در سیمای آزادی رقص شمشیر عربی او پخش شد.



۳۸۴- نامش مشخص نیست- از ترکیه فریب دادند و به اشرف گشانند.



۳۸۵- نامش مشخص نیست- اهل شیراز و داری زن و فرزند



۳۸۶- نامش مشخص نیست- از ترکیه با فریب به سازمان گشاندند و سپس از کمپ تیف به ایران رفت.



۳۸۷- بهزاد اهل بلوچستان- اکنون در سوئیس است.



۳۸۸- فرشید یا فرشاد - اسم دقیقی یادم نیست (به نقل از آقای رضا گوران).



۳۸۹- فرشاد - در ایتالیا بود به اقامت نمی دهند و سازمان با ترفند تهیه کیس پناهندگی برای ۳-۴ ماه به اشرف می کشاند.



۳۹۰- محسن عبدالخانی



۳۹۱- شهرام از ترکیه فریب داده شده بود.



۳۹۲- دوست شهرام - ترک زبان است.



۳۹۳- عادل خیری- سازمان در تیف هم به او پول داده و امضا گرفته و پس از آن مدتی هم با سازمان همکاری می کرد، وبه همین خاطر می ترسند حرف بزنند.



۳۹۴- بی جان رحیمی اهل سیستان و بلوچستان



۳۹۵- موسی دامنی



۳۹۶- غلام مصطفی استادی- اهل سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۹۶ در آلبانی از سازمان جدا شد.



۳۹۷- مراد بلوچ



۳۹۸- رفیق دهقان - در سال ۹۵ در آلبانی از سازمان جدا شد.



عکس مراسم سوگند نزد رجوی در اشرف پس از جدا شدن در آلبانی

۳۹۹-



رسول بخش بلوچی

۴۰۰- رضا مرادی



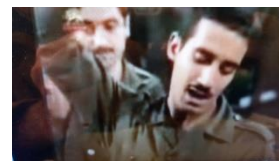
۴۰۱- اسماعیل طالبی - جهت کار به ترکیه رفته بود و توسط رابطین سازمان گفت شده بیا در عراق زبان انگلیسی یاد بگیر بعد برو اروپا و جزء هوادان سازمان باش.

۴۰۲- خداداد عزیزی- کرد عراقی در سال ۹۵ در آلبانی از سازمان جدا شد.

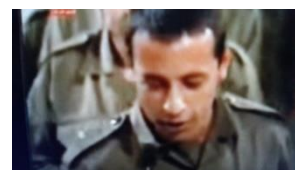
۴۰۳- هادی ثانی خانی(رضوان) - در سال ۹۵ از پایگاه مفید در آلبانی فرار کرد.

۴۰۴- داریوش قنواتی

۴۰۵- سید محمد هاشمی



همچنین آقای قاسم قربانی که یکی از دوستان وی... قاچاقچی سازمان بود و افراد را برای سازمان از بلوچستان به عراق اعزام می کرد، خود نیز توسط آنها به سازمان پیوسته است. اما به گفته خودش او با فریب به سازمان نیامده و خود انتخاب کرده بود. آقای قاسم قربانی سال ۹۴ از آلبانی به امریکا رفت)





عکس آقای قاسم قربانی با پاپ، یکماه پس از رفتن به امریکا. امریکا با اینکه پذیرفته بود ۱۰۰ تن را بعنوان پناهنده بپذیرد و بیش از ۳۰ تن هم از آلبانی به امریکا رفتند اما پس از روی کار آمدن آقای ترامپ، این سیاست آنچنان که مسئول کمیساریا در آلبانی گفت، از این پس بصورت فریزر درآمده است. و از انتقال پذیرفته شدگان در مصاحبه ها خودداری کرد و از آن پس هیأت آمریکایی برای مصاحبه به آلبانی نیامده است.



ردیف اول و دوم باند تبهکاریت رهبری عقیدتی در قاچاق انسان هستند

اسامی و اطلاعات فوق هرگز پایان کار نبوده و نیست و لیست قاچاق انسان، همچون سایر جنایات و فساد در بیت و باند نابکار و تبهکار زوج رهبری عقیدتی در حال بروزرسانی است.

منابع اسامی و اطلاعات فوق و شاهدین برای مجامع حقوق بشر و هر محکمه ای قابل ارائه است.

دشمن اصلی همانا رژیم جمهوری اسلامی و تهدید درونی در مبارزه بر علیه رژیم، سازمان مجاهدین و رجوی است. ارائه اطلاعات و حقایق برای شناخت هیولای ناشناخته (رجوی) در مبارزه با هیولای شناخته شده (جمهوری اسلامی) است. پس از چهارده مبارزه نمی خواهیم چاله به ساهچاله دیگری و از یک ولایت فقیه به یک ولایت عقیدتی دیگری برویم.

سایت حقیقت مانا - ۱۶ تیر ۱۳۹۷ - سیامک نادری